



۲۰۱۲/۰۸/۱۰



داکتر عبدالرحمن زمانی

## توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی: جلوگیری از نشرات مخالف رژیم خاندان محمد نادر شاه (قسمت ۲۷)

بعد از استقرار سلطنت محمد نادرشاه، روشنفکران افغان هم در داخل و هم در خارج از افغانستان بمبارزه برخاستند. در یکی از راپور های محرمانه آرشیف دفتر هند بریتانوی میخوانیم که «تعداد زیاد افغانها معتقد بودند که نادر خان به حقدار اصلی حکمرانی در افغانستان خیانت کرده است. در هندوستان نیز تعداد قابل ملاحظه مسلمانان، امان الله خان را بحیث قهرمان اسلام پیشرو و مدرن دانسته، آرزومند برگشت او بودند. لذا هم در داخل و هم در خارج از افغانستان تعداد قابل ملاحظه از مردم خواهان بازگشت امان الله خان به تخت افغانستان بودند. از همین سبب، نادرشاه هم در داخل و هم در خارج از کشور با موجی از تبلیغات و فعالیتهایی روبرو بود که هدف آن بی اعتبار ساختن رژیم او و جاگزینی اش توسط شاه سابق بود.»<sup>(۱)</sup>

روشنفکران داخل که بیشتر از طبقه متوسط شهری بودند، یا بصورت انفرادی و یا در حلقه های کوچک مبارزه میکردند. آنها که تحت تهدید، مراقبت، حبس، شکنجه، اعدام، و حتی امحای خاندان شان قرار داشتند، و نمیتوانستند از خود ارگان نشراتی داشته باشند، نخست دست به تبلیغات شفاهی و افشاکاری ماهیت خانواده حکمران و سیاست خصمانه استعمار انگلیس زدند، و بعد هم به نوشتن و اشاعه شبنامه های منظوم و منثور پرداختند.

رژیم حاکم هم نه تنها نوشتن بلکه حتی خواندن اینگونه آثار را جنایت ملی نامیده، با حبس پر مشقت و شکنجه میکوبید. مثلاً سعدالدین خان بها<sup>(۲)</sup> بگناه خواندن شعری سه بار چوب خورد، و یک بار گلوله های آهنین در آتش سرخ شده در زیر بغل او گذاشته شد و هم سیزده سال را در زندان بماند.<sup>(۳)</sup>

حکومت در پهلوی اینکه کوشید با استفاده از تبلیغات، جواسیس و دسایس دربین روشنفکران تخم نفاق و بدبینی و شک و بی اعتمادی بپاشد، برای شناختن روشنفکران، به وسیله یکی از گماشتگان خود بنام نیک محمد کابلی، معروف به "میرزا نیکو" یک جریده انتقادی ضد خود بنام "حقیقت" رابشکل شبنامه هم نشر کرد، تا مخالفین را گرد آن جمع نموده و بدام اندازد. البته جوانان روشنفکر به جریده حقیقت نپوستند، بلکه خود نشریه بنام "حقیقت - حقیقت" را نشر کردند.<sup>(۴)</sup>

میگویند که نشریه "حقیقت" نخست توسط عبدالصبور غفوری (نویسنده کتاب "سرنشینان کشتی مرگ یا زندانیان قلعه ارگ")، به همکاری چند نفر دیگر مخفیانه بنشر میرسید. بعد از آن حکومت برای شناسائی مخالفان سیاسی خویش یک نشریه "حقیقت" دروغین را بنشر رساند، و به تعقیب آن مخالفان رژیم بخاطر خنثی ساختن آن نشریه دیگری بنام "حقیقت - حقیقت" را بنشر رساندند.

یکی از اولین جرایدی که بیرون از مرزهای افغانستان توسط افغانها در هند بریتانوی علیه حکومت محمد نادرشاه نشرات میکرد. جریده "افغانستان" بود. این جریده نباید با جریده "افغانستان آزاد" که در عهد صدارت محمد داوود خان توسط یک عده دیگر از مخالفین رژیم به رهبری شادروان عبدالحی حبیبی بنشر میرسید، مغالطه شود. جریده افغانستان بار اول توسط مرتضی احمد خان هنگام اغتشاش در افغانستان بنشر رسیده و با استقبال خوب روشنفکران در داخل افغانستان روبرو شده بود. این جریده بعد از اعلام سلطنت نادرشاه بدفاع از رژیم او برآمد، ولی بزودی توسط خواجه هدایت الله خان قونسل افغانی به ماهیت رژیم پی برد و بعد از آن بنشر مقالات علیه آن پرداخت. چون انگلیس ها مخالفت با رژیم کابل را مخالفت با منافع خود میدانستند، جریده "افغانستان" را متوقف و مرتضی احمد خان را به زندان فرستادند. اما این تنها نبود، بلکه توسط شخصی بنام شهزاده، در لاهور با دادن پول به یکی از مستخدمین مرتضی احمد خان، مراسلات عنوانی او را بدست آورده سر بسته به کابل فرستاد، و از روی خط نامه ها و روی

پاکت، عده از نویسندگان مقالات ضد رژیم به جریده "افغانستان" را شناسایی و شامل لست سیاه نموده، به همکاری مأمورین هند بریتانوی تحت مراقبت جدی قرار داد. (لست های زندانیان سیاسی و آنعده از روشنفکرانی را که توسط رژیم نادری کشته شدند، میتوانی در کتب "افغانستان در مسیر تاریخ"، و "برگی چند از نهفته های تاریخ در افغانستان" مطالعه کنید).

روشنفکرانی که در خارج از کشور بدور شاه امان الله خان جمع شده بودند، هم هدف برانداختن دولت نادرشاه و استقرار یک دولت ملی را در پیش داشتند. آنها باوجودی که زیر مراقبت شدید قرار داشتند و جواسیس در بین شان مشغول فعالیت تخریبی بودند، برای تأمین روابط با روشنفکران، منتفدین محلی و بعضاً مأمورین ناراض در داخل افغانستان به نشرات و انتقال آن بداخل افغانستان نیاز داشتند. رهبران امانیست مکاتیب و اعلامیه های خود را در داخل جوف چوب های دست (عصا) به افغانستان داخل میکردند. یکی از این اعلامیه های شرح که در چندین صفحه به امضای شخص امان الله خان منتشر گردید، سبب خشم و عکس العمل شدید نادر خان گردید. سه نفری که بجرم آوردن این اعلامیه متهم شدند، یوسف جان، غلام عنبر و دوران خان بودند که در قسمت گدام های زندان دهمزنگ اعدام شدند و اجساد شان در یک قبر دفن گردید.<sup>(۵)</sup>



عکس کتاب تردید شایعات

به گفته شادروان غبار «این اعلامیه [امان الله خان]، سلطنت نادرشاه را تکان داد و بر خشونت او افزود. فیض محمد خان ذکریا وزیر خارجه داوطلب تردید اعلامیه گردیده و به عجله کتابی بنام "تردید شایعات باطله شاه مخلوع" در زبانهای اردو و دری منتشر ساخت. درین کتاب فیض محمد خان که قبلاً امان الله خان را "امان الله کبیر" مینامید، شدیداً سرزنش و متهم کرده، و در صفحه سوم "اعتشاش سقوی" را "انقلاب کبیر" خوانده است، در عوض نادرشاه و برادران را ستایش کرده است. این کتاب از صفحه پانزدهم بیعد از مدرسه دیوبند هندوستان و از مرید شدن افسران اردوی افغانستان به مشایخ، دفاع سختی نموده است، و هم امان الله خان را تهدید به انتشار فوتوگرافیهای "ضدخلافت" نموده است. این همان فوتوگرافی های بود که از طرف دشمن خارجی قبلاً جعل شده و در افغانستان و سرحدات آزاد، برای مشتعل ساختن اغتشاشات ضد امان الله خان منتشر گردیده بود. سلطنت برای استفاده سو از این اعلامیه شاه امان الله خان، علیه مبارزین داخلی افغانستان یک فتوای شرعی بی امضای مشخص را نیز از نام علمای افغانستان در اخیر کتاب نشر نمود".<sup>(۶)</sup>

### نشریه «فغان افغان»

اولین نشریه حزب جوانان مبارز حامی غازی امان الله خان در سال ۱۹۳۴ بنام «فغان افغان» در اروپا بنشر رسید. چند شماره این نشریه که شدیداً از رژیم آل یحیی انتقاد و از شاه امان الله خان حمایت میکرد، به کابل هم رسید. این جریده ادعا میکرد که توسط جمعیت مدافع حقوق ملی بنشر میرسد. درین جریده چیزی نبود که از آن محل انتشار و مدیر مسئول آن فهمیده شود. اما از مطالعه آن معلوم میشد که از طرف یک عده افغانهایی که به کشور شان علاقه دارند، و در خارج از کشور زندگی میکنند، تحریر و چاپ میشود. شماره اول در چهار صفحه، سه مضمون مشرح و در صفحه آخر یک شعر کوتاه را توسط نویسندگانی با نام های مستعار شیپور، حق پرست و آرش، در بر میگرفت. در ماه مارچ ۱۹۳۴ قونسل افغانی در بمبئی توانست سه شماره «فغان افغان» را بدست بیاورد. او یک شماره آنرا با پاکت اصلی اش که دارای دو تکت پستی و مهر بلغاریا بود، ضمیمه مکتوبی به مقامات حکومت در بمبئی ارسال نموده نوشت که طبعیست که این نشریه از هند به ایالت سرحدی شمال غربی و افغانستان نیز خواهد رسید. او به تعقیب تقاضای قبلی اش از حکومت هند بریتانوی خواست تا از طریق بحر و زمین از ورود چنین نشراتی به هند، جلوگیری کند.<sup>(۷)</sup>

به اساس اسناد آرشیف لندن، مقامات انگلیسی این مسئله را جدی گرفته و برای یافتن رد پای غلام صدیق خان چرخي و شجاع الدوله خان در بلغاریا، دست به اقدامات وسیعی زدند. به سفیرانگلیس در کابل اطلاع داده شد که به اساس اطلاع واسله از سفیر انگلیس در صوفیه، اداره عمومی پولیس مکاتیبی را عنوانی ادارات همه حوزه های ۱۵ گانه

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

پولیس در بلغاریا ارسال نموده راجع به دو نفر مذکور خواهان معلومات شدند. در جواباتی که تاحال بدست آمده است، هیچ نوع معلوماتی راجع به آنها موجود نیست. آنها را در صوفیه شناخته اند.<sup>(۸)</sup>

یک راپور دیگر انگلیس ها حاکیست که نشریه «فغان افغان» توسط یک گروپ کوچکی از هواداران شاه سابق امان الله خان آغاز شده بود که رهبری آنرا عبدالوهاب خان طرزی، برادر ملکه ثریا، به عهده داشت. بسته های این جریده بعد از چاپ به اشخاص مختلف در فرانسه، سویس و جاهای دیگر فرستاده میشد تا آنرا از آنجا از طریق پُست به هندبفرستند. راپور حاکیست که تمام شماره هائی که از فرانسه پُست شده است، توسط محمد علی خان فرستاده میشد.<sup>(۹)</sup>

از یک راپور دیگر استخباراتی معلوم میشود که شماره ماه اکتوبر "فغان افغان" توسط غلام صدیق خان چرخي در استانبول بچاپ رسیده و او میکوشد شماره های بعدی را بصورت علنی در برلین چاپ کند.<sup>(۱۰)</sup>

در رابطه با همکاری انگلیس ها در جلوگیری از ورود جریده "فغان افغان" که منجر به دستگیری چند نفر توسط حکومت افغانستان میشود، یک راپور را بصورت نمونه ذکر میکنیم: شعبه استخبارات مرکزی (C.I.D.) ایالت سنددر ۳۰ ماه جولای ۱۹۳۴ یک نامه را کشف و بعد از کاپی کردن به مرجع آن میفرستد. این نامه را شخصی بنام محمد ابراهیم جیلانی از بمبئی به غلام رسول جان در برلین فرستاده ست. درین نامه از رسیدن یک شماره جریده "فغان افغان" اطمینان داده شده است. نویسنده نامه نوشته است که حضرت صاحب یک ماه قبل از حجاز برگشته و فعلا در بمبئی میباشد. او خواهش میکند که "فغان افغان" برایش بصورت منظم فرستاده شود. انگلیس ها بعد از تحقیق پی میبرند که غلام رسول جان در برلین، پسر حاجی غلام نبی خان بوده، و دو برادر دارد به نام های غلام حیدر خان و غلام نقشبند خان. هر سه برادر تاجران بزرگ پوست قره قل بوده و در پشاور، کابل، مزارشریف، انگلستان و جرمنی ارتباطات تجارتي دارند. این برادران با غلام نبی خان چرخي که سال قبل توسط محمد نادرشاه کشته شد، رابطه فامیلی دارند. غلام حیدر خان درین اواخر دستگیر و توسط حکومت افغانستان به زندان فرستاده میشود. انگلیس ها با نام فرستنده نامه آشنائی قبلی ندارند، و تلاش میکنند تا حضرت صاحب را که از حجاز برگشته و در بمبئی میباشد، شناسایی و دستگیر کنند.<sup>(۱۱)</sup>

راپور های دیگر حاکیست که کسانی که از طریق هند و یا روسیه به اروپا سفر میکردند، تحت تعقیب دستگاه های استخباراتی انگلیس قرار داشتند، زیرا تماس و ملاقات آنها با امانیست ها میتوانست وسیله رساندن پول به امانیست ها و انتقال مکاتیب و نشرات آنها به افغانستان شود.

(ادامه دارد)

## یادداشت ها و مأخذ

اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، استخبارات ستراتیژیک افغانستان، قسمت سوم.

سعدالدین خان بها متولد سال ۱۲۸۴ شمسی برابر به ۱۹۰۵ میلادی در کابل، شاعر، نویسنده و یکی از مشروطه خواهانی بود که در انگلستان ادبیات انگلیسی خوانده بود. در دوره نهضت امانی یکی از مقالات بها تحت عنوان "دزدان چراغ به دست" مشهور به «پاسبان بیدار خواب» در جریده انیس باعث اولین محاکمه مطبوعاتی در کشور گردید. کوشش کردند آن مقاله بعد از بازگشت غازی امان الله خان از سفر اروپا، پیش رویش گذاشته شده و قرار بود محمود خان یاور حکم تکفیر او را از پادشاه بگیرد. اما غازی امان الله خان کاغذ تکفیر بها را از هم درید و گفت که «در سفر اروپا در کشور فرانسه خبرنگاری بر من شورید و گفت که چرا در جراید افغانستان انتقادی به چشم نمیخورد یا شاید در جامعه شما جایی برای انتقاد وجود ندارد و یا استبداد تو، دهن تمام انتقاد کنندگان را بسته است؟ من که

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

پاسخ قناعت بخش نداشتیم، ناگزیر جراید خصوصی را ماخذ دادم و گفتم: "امان افغان" نشریه دولتی است و نمی تواند انتقاد را بر دولت کند، بروید جراید شخصی را بخوانید تا ببینید که آیا ما انتقاد را چاپ میکنیم یا نه؟ پس از چندی بعد نامه نگار فرانسوی مرا دید و این بار همان شماره انیس را در دست داشت و مقاله "پاسبان بیدار خواب" را گواه آورده بود. من که شهریار دیموکرات استم و به آزادی مطبوعات باور دارم، اکنون خود داوری کنید که چنین شخصی را محکوم ساختن، محکوم شدن در برابر نسل ها نیست؟". (جلد دوم "برگی چند از نهفته های تاریخ در افغانستان"، ص ۴۱۶).

غبار، میر غلام محمد (۱۹۹۹). افغانستان در مسیر تاریخ. (جلد دوم - چاپ دوم)، پشاور، ص ۱۳۳. همانجا، صفحات ۱۳۶ و ۱۳۷.

غفوری، عبدالصبور (۱۳۸۰). سر نشینان کشتی مرگ یا زندانیان قلعه ارگ، صفحات ۱۷۸-۱۷۹.

غبار، میر غلام محمد (۱۹۹۹)، افغانستان در مسیر تاریخ (جلد دوم - چاپ دوم)، ص ۱۱۵.  
اسناد آرشیف هند بریتانوی، مکتوب مؤرخ ۲۴ مارچ ۱۹۳۴ قونسل افغانی در بمبئی، شماره مسلسل ۶۵،  
L/P&S/12/1662

اسناد آرشیف دفتر هند بریتانوی، L/P&J/12/121. همانجا.

اسناد آرشیف هند بریتانوی، L/P&J/12/122.

اسناد آرشیف هند بریتانوی، L/P&J/12/121.

---

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ